

۱۷۰۰۸۸

سبک‌ها، آثار و جریان‌های ادبی روسیه معاصر از آستروفسکی تا چخوف

تالیف:

دکتر علیرضا ولی‌پور

استاد دانشگاه تهران

۱۳۹۷

سرشناسه: ولی پور، علیرضا، ۱۳۴۱-

Valipour, Ali Reza

عنوان و نام پدیدآور: سبک‌ها، آثار و جریان‌های ادبی روسیه معاصر
از آستروفسکی تا چخوف/ تالیف: علیرضا ولی پور.

مشخصات نشر: تهران، آینده دانش، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۳۴ص: مصور.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۳۱-۳۶-۳: ۲۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابخانه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: ادبیات روسی- قرن ۱۹ م.-- تاریخ و نقد

موضوع: Russian literature ۱۹th century - History and criticism

موضوع: نویسندگان روسی - قرن ۱۹ م.

موضوع: Authors, Russian ۱۹th century

رده بندی کنگر: ۲۱۳۹۷س/و/۳۰۱۵ PG

ایندی یویی: ۷۰۹۰۰۳/۸۹۱

شماره شابشناسی ملی: ۵۱۸۸۸۶۱

نام کتاب: سبک‌ها، آثار و جریان‌های ادبی روسیه معاصر از آستروفسکی

نویسنده: علیرضا ولی پور

ناشر: آینده دانش

نگارگر: یگانه ایزدفر

طراح جلد: حسین دولت‌آبادی

نویت چاپ: نخست، بهار ۱۳۹۷.

شمارگان: ۱۰۰۰ مجلد

بها: ۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۳۱-۳۶-۳

فهرست

۵	مقدمه
۱۳	سبک‌های ادبی
۱۳	متدها، شیخ‌ها و ریان‌ها
۲۵	نمادگرایی
۲۷	نمادگرایی فوتوریسم
۲۷	رنالیسم سوسیالیستی
۲۸	ادبیات رنالیستی
۲۸	فرا داستان
۳۰	ادبیات مدرنیستی
۳۰	ادبیات پست مدرنیستی
۳۲	داستان بیان
۳۳	ادبیات مهاجرت
۳۴	شعر در روسیه معاصر و اتحاد شوروی
۴۴	طرح تجزیه شعر
۴۶	مبانی شعر روسی
۴۷	تحلیل ادبی
۴۹	طرح تحلیل اثر ادبی - هنری
۵۰	نقشه کلی پاسخ به سؤالات در زمینه اهمیت آثار نویسنده
۵۰	نقشه نمونه مشخصات چهره هنری شخصیت‌ها
۵۱	دفتر یادداشت ادبی
۵۳	آستروفسکی آلکساندر نیکولایوویچ
۵۳	زندگینامه ادبی آستروفسکی
۵۵	خلاقیت ادبی و آثار آستروفسکی

۶۷	گانچاروف ایوان آلکساندروویچ
۶۷	زندگینامه هنری گانچاروف
۶۹	خلاقیت هنری و آثار گانچاروف
۹۷	توتچف فیودر ایوانوویچ
۹۷	زندگینامه ادبی توتچف
۹۹	خلاقیت ادبی و آثار توتچف
۱۰۷	فت آفاناسی آفاناسیوویچ
۱۰۷	زندگینامه ادبی فت
۱۰۹	خلاقیت ادبی و آثار فت
۱۱۷	سالتیکف - شدیرین (سالتیکف)
۱۱۷	زندگینامه ادبی سالتیکف
۱۲۰	خلاقیت ادبی و آثار سالتیکف
۱۲۹	داستایفسکی فیودور میخایلوویچ
۱۲۹	زندگینامه ادبی داستایفسکی
۱۳۲	خلاقیت ادبی و آثار داستایفسکی
۱۶۳	تولستوی لف نیکولایوویچ
۱۶۳	زندگینامه ادبی تولستوی
۱۶۷	خلاقیت ادبی و آثار تولستوی
۱۹۹	چخوف آنتون پاولوویچ
۱۹۹	زندگینامه ادبی چخوف
۲۰۱	خلاقیت ادبی و آثار چخوف
۲۲۹	فهرست منابع

مقدمه

در صفحات نخستین این کتاب، به طور مختصر برخی جریان‌ها و رویه‌های ادبی مورد استفاده در ادبیات روسیه معرفی شده‌اند. در ادامه به شرح حال برخی از نویسندگان روس و معرفی آثار آن‌ها پرداخته شده است. مولف سعی کرده است با زبانی ساده و به دور از اصطلاحات غامض ادبی، بهره‌مندی از منابع معتبر روسی و فارسی، خوانندگان را با گنجینه ادبیات روسیه آشنا کند.

نویسندگانی که در این کتاب به آن‌ها پرداخته شده همه در ردیف شخصیت‌های تأثیرگذار در ادبیات روسیه قرار می‌باشند. در این کتاب بطور اختصاصی آثار و زندگی ادبی هشت تن از بزرگترین و تأثیرگذارترین نویسندگان این طلایی روسیه که شامل: آستروففسکی، آکساندر نیکولایویچ، گانچاروف ایوان آلکساندر، رنچف فیودر ایوانویچ، فت آفاناسی آفاناسیویچ، سالتیکف-شدرین، داستایفسکی فیودور میخائیلویچ، تولستوی لف نیکولایویچ و چخوف آنتون پاولویچ می‌باشند. با این حال بنا بر ضرورت، احصای ارزیابی اجمالی از این دوره مواردی شایسته یادآوری است:

صاحب نظران ادبی، رئالیسم را دوره‌ی عظمت ادبیات روسیه می‌نامند و معتقدند است که رئالیسم روسیه با داستان کوتاه «شنل» اثر گوگول آغاز شده است. اما برخی معتقدند این دوره، آغازگر نمادگرایی روسی بوده است. در زمان پیدایش سمبولیسم در روسیه، شعر رمانتیک تبوچف و فت از نو زنده شد و جایگاه پوشکین باز شناخته شد و نظریات زیباشناختی گریگوریف مورد توجه قرار گرفت و هنر داستایفسکی از هنر تالستوی مناسبتر دیده شد.

در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم نویسندگان بزرگی چون گوگول، گریتسن، تورگنیف، اوگاریوف، پلخانوف، گورکی و ... به میل خود و یا ناگزیر به زندگی و کار در خارج از کشور روی آوردند. این مهاجرت از یک سو و هم چنین مرگ برخی نامداران ادبیات جهان،

شکافی در ادبیات روسیه ایجاد کرد. نمادگرایان علی‌رغم اعتقادشان به فرهنگ جهان میهنی، نوعی اسطوره‌پردازی و احساسات ملیت‌گرایانه را گسترش دادند. سمبولیسم نیز، مانند رمانتیسم، جنبشی ویژه‌ی نخبگان جامعه بود. هم‌آمیزی شعر روس و ادبیات غرب به بهای از میان رفتن افکار مردم‌گرایانه در هنر تمام شد. رمانتیست‌ها و همچنین سمبولیست‌ها، علی‌رغم دلبستگی به سنت‌ها و شعرهای عامیانه، کمتر به بهبود زندگی مردم اندیشه می‌کردند. بازگشت نمادگرایان از فردیت به جایگاه ارزش مطلق، در نهایت، به بهای گسستن ادبیات از اجتماع تمام شد- که این خسران بیشتر در دوران سلطه‌ی رمانتیسم تجربه شده بود. از سوی دیگر ادبیات مهاجرت روسیه به کوتاه نویسی تمایل داشت. اشعار غنایی، داستان کوتاه و قطعه‌های ادبی اغلب در نشریات سرگردان منتشر می‌شد. ادبیات مهاجرت در زمینه‌ی اشعار غنایی به سطح والایی رسیده بود. بسیاری از شاعران قبل از انقلاب به اشعار خود را تغییر دادند و حتی گروهی از آنان شعرشان پخته و غنی‌تر شد، همچون آخرین اشعار کنستانتین بالمونت که دارای سادگی بی‌آلایشی است و با اشعار آغازینش متفاوت. برخی از شاعران پیش از انقلاب، در تبعید به بلوغ شعری رسیدند.

به گفته‌ی لیبیدوا، درژاوین از جمله افرادی بود که در ارتقا و به اوج رساندن ادبیات روسیه قرن هجدهم نقش اساسی ایفا کرد. به اعتقاد او «مانوف و درژاوین باهم شعر روسی را ساختند. اگر لامانوسف کالبد شعر روسی (وزن و قافیه را نبره) را ساخت، درژاوین روح تازه‌ای را در آن دمید».

از دیگر کسانی که به ارتقاء شعر روسی کمک شایانی نمود، رودسکی است. اهمیت ژوکوفسکی در ادبیات روسی از این جهت است که او موضوعات جدیدی را وارد شعر روسی کرد؛ زیرا در آثار او دنیای درونی انسان و تأثرات روحی او و احساساتش تعیین‌کننده‌ای دارند. «ژوکوفسکی، معلم پوشکین نیز بود و هنرش در شکل‌گیری و توسعه خلاقیت پوشکین بسیار تأثیرگذار بود. مسئله پیچیده و دشواری در خصوص مناسبات و روابط پوشکین با معلم خود، ژوکوفسکی که از برجسته‌ترین شاعران روسیه است، وجود دارد. پیرامون این مبحث، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که همواره بحث برانگیز بوده‌اند و از همان دوران زندگی پوشکین شروع شده و تا به حال نیز ادامه پیدا کرده‌اند. تحلیل این

مساله، یعنی مناسبات و روابط پوشکین و ژوکوفسکی، در تفسیر کلی راه و سرنوشت شعر در ادبیات روسیه لازم و ضروری است.

در تاریخ شعر روسیه، دو گرایش عمده و اصلی ظاهر گردید. اولین گرایش از سوی ژوکوفسکی ظهور می‌یابد که در آثارش، غزلیاتی با آرمانی‌هایی عالی همچون دنیای ماوراء محسوسات و دنیای اسرارآمیز و مرموز حکمفرماست. دومین گرایش، مختص به پوشکین است که شعر روس را با تعادل در اندیشه و احساسات، مستحکم و استوار کرده است. در واقع پوشکین خواهان برقراری تعادل میان عقل و احساسات بشری است. این دو گرایش در طول قرن‌های ۱۹ و ۲۰، کاملاً مشهود است.

پوشکین همواره به معلم خود احترام قایل بود. او با شگفتی در مورد اشعار ژوکوفسکی، مانند شعر "دکتر" اظهار نظر می‌کرد. شعری که در آن، مهارت تجسم با احساسات و هارمونی شعر را می‌توانست و همراه شده است. روابط پوشکین و ژوکوفسکی در نظر خوانندگان زمان ما، قبل از هر چیز از روی اشعار آنان مشخص می‌شود. همانند شعری که پوشکین برای معلم خود، ژوکوفسکی سروده است. این شعر نه تنها نمونه‌ای عالی است بلکه هدیه‌ای نفیس از سوی پوشکین به معلمش می‌باشد. در این شعر، خصوصیات ژوکوفسکی به عنوان شاعری که تمایل به دنیای خیالات دارد، وصف شده است.

اما روابط میان این دو شاعر، تک بعدی نبود. بعدها، قاضی میان پوشکین و ژوکوفسکی آغاز گردید و پوشکین، این شاعر نوپرداز حتی به خود اجازه تسلیم در سبک معلم خود را نیز داد. از مناظرات پوشکین و ژوکوفسکی و همچنین نظراتی در خصوص اشعار آن دو می‌توان فهمید که پوشکین خواهان این بوده است تا بطور مستقیم یا غیرمستقیم، بر روی اشعار ژوکوفسکی و مسیر شعری وی در آینده نیز تأثیر بگذارد. اینجاست که می‌توان فهمید که پوشکین نیز نقشی شبیه به یک معلم را برای ژوکوفسکی ایفا می‌کرده است. پیشنهادات پوشکین نیز بی‌نتیجه نماند. یک بار تحت تأثیر وی، ژوکوفسکی شروع به نوشتن یک قصه ادبی به سبک ملی کرد. این موضوع مربوط به زمانی است که هر دوی آن‌ها در دهکده سلطنتی زندگی می‌کردند و سوژه‌ها را مشترکاً طرح ریزی می‌کردند و با هم به نوشتن قصه‌های کوتاه می‌پرداختند. مسلم است که در قصه‌های ژوکوفسکی، مهارت شعری از لحاظ وزن و آهنگ قافیه، چشمگیرتر است.

ویژگی مشترک شعر پوشکین و ژوکوفسکی، انسان دوستی است. اما آیا این انسان دوستی، همگون و از یک نوع است؟ ژوکوفسکی، انسانی مهربان و خوش قلب بود، با بیچارگان همدردی می‌کرد، خود را در سرنوشت آنان شریک می‌دانست و حتی از مجرمان سیاسی نیز حمایت می‌کرد و برای آنان تقاضای تخفیف در مجازات داشت. تلقی از انسان در نظام فکری ژوکوفسکی، عمومی و همگانی است، یعنی در نظام فکری او، هیچ انسانی بر دیگری برتری نداشته و همه دارای شرایط یکسان هستند. اما پوشکین در جهان بینی خود، همه را به یک چشم نمی‌نگرد و شخصیت‌های آنان را از هم متمایز می‌داند. هنگام تطبیق و مقایسه نظام‌های فکری-هنری پوشکین و ژوکوفسکی، یکی از ملاک‌هایی که به چشم می‌خورد، ملاک ارزش‌های زندگی است. ژوکوفسکی به تسلیم بودن در برابر سرنوشت اعتقاد دارد اما فلسفه زندگی پوشکین، مبارزه با سرنوشت است. تضاد این دو دیدگاه فلسفی نه تنها در زبان هنری، بلکه در سبک و آثار و علائم استعاره‌آمیز شعری نیز تاثیرگذار است.»

تاثیر روسیه‌ی اواسط قرن نوزدهم بر مبنای نمایشنامه نویسی و به طور کلی حول نویسندگی (آلکساندر آستاروفسکی) می‌گردد. ذوق هنری و زیبا شناختی آستاروفسکی متأثر از تئاتر (مالی) مسکو بود. تئاتر که هنر پیشگان آن ایده آل و محبوب دوران کودکی و جوانی آلکساندر آستاروفسکی بود. گرایش واقع‌گرای تئاتر هنری مسکو فراخور سرشت منش و روحیه‌ی روسی آستاروفسکی بود و دوستی، خواه و مطلوب وی. از این رو بود که وی مجذوب شده و رهسپار فتح قله‌های مرتفع‌ترین شد. نقطه‌ای بالاتر از تمامی مدعیان پیش از خود. آرزوی دست یافتن به «تئاتر ملی» ستازی راهنمای آستاروفسکی در سرتاسر دوران زندگی‌اش بود. زندگی سرشار از یاس و رماندگی، سر خوردگی و نارضایتی و به همان اندازه سرشار از موفقیت و کامیابی، او تنها به این به انجام رساندن هدف و رسیدن به خواسته‌های درونی‌اش زندگی نکرد بلکه زحمت و تلاش پیگیر وی راهی بود بیست سال پس از مرگش موجبات گشایشی در تئاتر هنری مسکو و افرادی چون «استانیسلاوسکی» و «دانچنکو» را فراهم آورد و البته شایان ذکر است که در هر صورت این تاثیر بود که پاسخگوی رویاهای وی بود. بزرگترین مساعدت آلکساندر آستاروفسکی به تئاتر روسیه از طریق نمایشنامه هایش بود که تعداد آنها به پنجاه و چهار عدد می‌رسد. اما آستاروفسکی چیزی بیشتر از یک نمایشنامه نویس بود. هر آنچه که به صحنه مربوط

می‌شد در قلمرو و حیطه‌ی وی بود. او به خصوص اغلب نمایشنامه‌هایش را خودش کارگردانی می‌کرد. البته در ایام پایانی زندگی‌اش. متأسفانه در روسیه آن روزها مسائل نادیده‌انگاشته می‌شد و این اصلاً در خور منزلت و مقام هنر و هنرمند نبود. عدم امکانات و محدودیت‌ها برای اهل هنر آزار دهنده بود. در موارد استثنایی و نادر وظایف تهیه‌کننده هنری به برنامه‌ریزی برای تمرین‌ها و نظارت بر کار هنر پیشگان که آیا درست روی صحنه جای گرفته‌اند و مشخص کردن محل و جای آنها محدود می‌شد. هدف و مقصد اصلی آستاروفسکی، به عنوان یک نویسنده دست یافتن به کاملترین و درست‌ترین ابزار ممکن جهت پروریدن تم‌هایش و بال و پر دادن و درست پیش بردن رویدادها و وقایع هر اپیزود و پیرو آن ارتباط دادن اپیزودها به یکدیگر و البته یک دست کردن آنها با کل متن بود. برای آستاروفسکی، دست یافتن به کاملترین و درست‌ترین ابزار ممکن جهت پروریدن تم‌هایش و بال و پر دادن و درست پیش بردن رویدادها و وقایع هر اپیزود و پیرو آن ارتباط دادن اپیزودها به یکدیگر اهمیت است. چنین تأکیدی بر مفهوم و مضمون درونی نمایشنامه نقطه‌ی عطف و راهبری برای آستاروفسکی جهت به وجود آمدن عالی‌ترین، برترین و والاترین ضرورت‌ها، نیازها و انگیزه‌ها است.

نظریه رئالیسم سوسیالیستی بر سوابق ادبی مانند همان مادر گورگی و چند کار ادبی دهه ۱۹۲۰ استوار بود. بلینسکی معتقد بود که ادبیات واقع‌گرا باید تحت شرایط ویژه به توصیف شخصیت‌های ویژه بپردازد. به نظریه بارناب که بیشتر به وی نسبت داده می‌شود و احیاکننده‌ی نظریه طبیعت‌گرایی چرنیشفسکی. در دوره هنر است در این دوره، بهای بسیار داده شد و ادعا گردید که مرام رئالیسم سوسیالیستی، ابزاری مطمئن برای درک صحیح واقعیت عینی فراهم می‌کند. به گفته وی، ادبیات به وسیله‌ای برای انتشار نقطه نظرهای مردمی باشد. با تکیه بر این گفته ادبیات نه تنها باید واقعیات را بازتاب دهد که برای تغییر آن نیز باید یاری رساند، تناقض میان محتوای رئالیسم سوسیالیستی و رسالت آن برای افراختن، آینده‌ای سوسیالیستی را از میان برد. گانچاروف در ادبیات روسیه به عنوان نویسنده سه رمان (تریلوژی) «یک داستان معمولی»، «آبلومف» و «پرنگاه معروف است. رویه اتخاذ شده توسط وی رویکردهای نوینی را برای ادبیات روسیه فراهم آورد.

موضوع اصلی آثار اولیه داستایفسکی موضوع «مردم عادی» می‌باشد. داستایفسکی بارها و بارها گفت که سنت گوگول را ادامه می‌دهد («همه ما از «شنل» گوگول بیرون آمدیم»). ن. آ. نکراسف پس از آشنایی با اولین اثر داستایفسکی نامه‌ای به بیلینسکی ارسال کرد و گفت: «یک گوگول جدید پدیدار شده!». ایده نوشتن اثر «جنایت و مکافات» تحت تأثیر محیط اجتماعی اطراف نویسنده و نیز در نتیجه خاطرات و تأثرات شخصی او ایجاد شد. مسئله آزادی انسانی که دست به جنایت می‌زند و توجیه تئوریک آن را که او در تعالیم چرنیشفسکی می‌دید، موجبات نگرانی عمیق داستایفسکی را فراهم ساخته بود. بنابراین دو موضوع داستایفسکی را برای ایجاد رمان «جنایت و مکافات» برانگیخت: اول سقوط اخلاقی در اجتماع و دوم ورود عقاید ملحدانه و سوسیالیستی در جامعه. ویژگی اثر «جنایت و مکافات» در آن است که در آن، رمان و تراژدی با هم ترکیب می‌شوند. داستایفسکی ایده‌های تراژدی را از دوران مربوط به سال‌های دهه شصت بیرون کشید، در این سال‌ها «شخصیت آزاد» مجبور به زندگی را در تجربه تنهایی و توسعه بی‌قانون اجتماعی ببیند.

تالستوی از دهه‌ی ۱۸۶۰ تأثیرات و متفاوتی درباره‌ی هنر و ادبیات در رساله‌ی هنر چیست؟ بیان نمود. وی در واقع تمام عمر خود را صرف انتشار نظریات دینی خود و بیان فواید اجتماعی، سیاسی و علمی آنها کرد. نوشته‌های غیرداستانی تالستوی، هر قطعه‌اش، به جذابیت نوشته‌های داستانی اوست و گاهی حتی بیشتر از البته نوشتن آثار داستانی را نیز پی گرفت. مرگ ایوان ایلچ یکی از بزرگترین داستانهای دهه‌ی تمام ادبیات جهان؛ سونات کرویتسر، با حدود بیست داستان اخلاقی به نام برای مردم در سما از بهترین نوشته‌هاست. رمان کوتاه حاجی مراد که در آن وی به قفقاز زمان جوانی‌اش برمی‌گردد، یکی از زیباترین آثار او به شمار می‌آید. اما تالستوی این داستان را همراه با رساله «هنر چیست می‌نگاشت، و جالب این است که در این داستان قواعدی را که خود برای هنر وضع کرده است رعایت نکرده است. در طی سال‌های ۱۸۷۰-۱۸۶۰ دو اثر تالستوی که نام او را جاودانه ساختند، خلق شدند: «جنگ و صلح» و «آنا کارنینا». اثر «جنگ و صلح» یکی از نوادر ادبی در قرن نوزدهم محسوب می‌شود. به این رمان عنوان رمان-حماسه نیز داده شده است. وقایع بزرگ تاریخی، زندگی عمومی و نه خصوصی مبنای محتوایی این اثر را تشکیل می‌دهند. در این

اثر یک پروسه تاریخی به تصویر کشیده شده که دامنه وسیعی از زندگی روسیه در همه لایه‌ها و طبقات آن را در برمی‌گیرد.

آنتون چخوف، نوآور بزرگ داستان کوتاه، نه تنها تئاتر روسیه را به مسیری نو برد، بلکه نمایش روسی را به جهانیان معرفی کرد. چخوف در یک مورد با جریان اصلی ادبیات روسیه در تضاد بود و آن اینکه بر پیوندهای پنهان هنر و زیبایی با پیشرفت و اخلاقیات اصرار نمی‌ورزید. در بهترین داستانهایش به جای تعهدات قدیمی داستان نویس، تعهداتی جدید بر عهده می‌گیرد. شکل تازه‌ای از قصه خلق می‌کند که التقاطی است و آمیزه‌ای از ویژگیهای کلاسیک نمایش و شعر غنایی در آن دیده می‌شود.

مطالعه این کتاب، با آن همه علاقمندان به جریانهای ادبی دانشجویان زبان و ادبیات روسی، مترجمی زبان روسی، پژوهشگران در حوزه ادبیات تطبیقی و بخصوص دوستداران ادبیات روسیه مفید است. به عنوان مثال، توجه به لحاظ نمودن سرفصل دروس دانشگاهی، رشته زبان و ادبیات روسی، رویکرد کتاب آموزشی نیز دارد و می‌تواند به عنوان کتاب درسی برای دانشجویان رشته زبان روسی، زبان و ادبیات روسی و مترجمی زبان روسی مورد استفاده قرار گیرد. نوآوری این کتاب بهره‌مند از منابع معاصر روسی، و پرداختن به زندگی و آثار تعداد معینی از نویسندگان روس در یک برهه تاریخی معین است.

علیرضا ولی‌پور

زمستان ۱۳۹۶